

فهرست

درس‌نامه	تست
بخش اول تفکر و اندیشه	۷
درس اول هستی‌بخش	۱۶
درس دوم یگانه بی‌همتا	۲۳
درس سوم توحید و سبک زندگی	۴۸
درس چهارم فقط برای تو	۶۲
درس پنجم قدرت پرواز	۷۴
درس ششم سنت‌های خداوند در زندگی	۹۲
بخش دوم در مسیر	۹۹
درس هفتم در گرو کار خویش	۱۰۹
درس هشتم بازگشت	۱۲۲
درس نهم زندگی در دنیای امروز و عمل به احکام الهی	۱۳۵
درس دهم پایه‌های استوار	۱۴۹
درس یازدهم عصر شکوفایی	۱۶۲
درس دوازدهم نگاهی به تمدن جدید	۱۷۰
درس سیزدهم مسئولیت بزرگ ما	۱۸۴
پاسخ‌نامه تشریحی	۱۹۰
پاسخ‌نامه کلیدی	۲۳۰

هدف کلی تبیین موضوع اختیار انسان و نسبت آن با نظام حاکم بر هستی

مفاهیم اصلی

اختیار

قضا و قدر الهی

علل طولی

علل عرضی

در درس‌های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، ربّ و مدبر جهان خداست و هیچ‌یک از مخلوقات، در اداره جهان با او شریک نیستند. همه موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می‌کنند.

سؤالات اصلی درس

- در این درس، به بررسی و پاسخ این سؤال‌ها خواهیم پرداخت که:
- ۱- با توجه به این که همه رخدادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟
 - ۲- آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟
 - ۳- در این نظام که با علم و اراده الهی اداره می‌شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟
 - ۴- آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

توضیح

این جهان گواهی می‌دهد که یک اراده بر آن حاکم است و این اراده با حکمت و تدبیر خود، جهان را اداره می‌کند و این مفهوم با اختیار انسان منافات ندارد.

این درس به رابطه توحید در ربوبیت و اختیار انسان می‌پردازد. با توجه به توحید در ربوبیت می‌گوییم: نظام متقن و به هم پیوسته و هماهنگ

اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود

تفاوت میان افعال اختیاری و غیر اختیاری

میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدم‌زدن، تفاوت اساسی وجود دارد. هم‌چنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد، اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن اختیاری و تابع اراده انسان است.

مفهوم اختیار و مشهود بودن آن برای انسان

- اختیار، به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- اختیار یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

می‌فشانند او میوه را دزدانه سخت
از خدا شرمست، بگو چه می‌کنی؟
می‌خورد خرما که حق کردش عطا
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
می‌گشای این بی‌گنه را زار زار
می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
من غلام و آلت فرمان او
اختیار است، اختیار است، اختیار

آن یکی می‌رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی
گفت: از باغ خدا بنده خدا
پس بستش سخت آن دم بر درخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
گفت: کز چوب خدا این بنده‌اش
چوب حق و پشت و پهلو، آن او
گفت: توبه کردم از جبر ای عیار

در این ابیات، شاعر به مشهود و وجدانی بودن اختیار اشاره دارد و می‌گوید حتی اگر کسی در سخن آن را انکار کند، در عمل می‌فهمد که موجودی مختار است. شاعر یک دزد را مثال می‌زند که دزدی خود را به پای بخشش الهی می‌گذارد که خدا به او بخشیده و اختیار خود را انکار می‌کند، اما هنگامی که با مجازات عمل خود مواجه می‌شود، می‌فهمد که نمی‌تواند اعمال اختیاری خود را با انکار اختیار توجیه نماید. این ابیات با اشاره به مجازات فرد گناهکار، بیانگر «مسئولیت‌پذیری» از نشانه‌های اختیار نیز می‌باشد.

اختیار نداشتن مادر همه امورا

البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کنندهٔ سرنوشت ماست.

مثال هیچ‌یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون و هم‌چنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبهٔ زمین، توالی فصل‌ها و ... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می‌شود.

۱- توضیح

حقیقت وجودی اختیار روشن و غیر قابل انکار است؛ زیرا کسی که آن را انکار می‌کند، در همان حال اثبات می‌کند که این انکار را آگاهانه و از روی اختیار انجام داده است. البته انسان در همهٔ امور اختیار ندارد ولی همین قدرت اختیار محدود

او، عاقبت وی را رقم می‌زند.

۲- کلیدواژه

وجدانی بودن اختیار: اختیار حقیقتی وجدانی است. «وجدان» به معنی یافتن است و به گرایش‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات از انسان که هر انسان آن را در خود می‌یابد، «وجدانی» می‌گویند.

شواهد وجود اختیار

• با وجود روشن بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، همهٔ ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از:

۱- تفکر و تصمیم

• هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را می‌سنجیم و سپس دست به عمل می‌زنیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدامیک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.

این‌که فردا این‌کم یا آن‌کم خود دلیل اختیار است ای صنم

این بیت می‌گوید این‌که انسان از میان چند راه برای انجام‌دادن، دچار تردید است و یکی را باید انتخاب کند، دلیل و نشانهٔ اختیارش است.

۲- احساس رضایت یا پشیمانی

• هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانهٔ آن است که آن کار را از خود و نتیجهٔ اراده و تصمیم عاقلانهٔ خود می‌دانیم.
• گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام احساس پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته‌ام.

گر نبودی اختیار این شرم چیست این دریغ و خجلت و آزر چيست؟
وان پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

بیت اول می‌گوید که اگر انسان اختیار نداشت، دچار شرم، ناراحتی، افسوس و حسرت نمی‌شد و در بیت دوم می‌گوید که پشیمانی حاصل از عمل بدی که مرتکب شده، او را به داشتن اختیار هدایت می‌کند.

۳- مسئولیت‌پذیری

• هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم.
• عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا و نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

هیچ کس اشیای بی‌اختیار مثل سنگ و کلوخ را سرزنش و مجازات نمی‌کند؛ زیرا نظام پاداش، جزا و مسئولیت‌پذیری برای انسان که موجودی مختار است، معنا دارد.

نتیجه

• خدای متعال، متناسب با همین قوهٔ اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاس‌گزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرَ وَإِنَّمَا كَفُرًا﴾

۱- توضیح

در هر یک از نشانه‌های اختیار موارد زیر مطرح می‌شود:
(۱) تفکر و تصمیم: اندیشیدن، سنجیدن جوانب کار، دچار تردید شدن، انتخاب یک کار از میان چند راه

(۲) احساس رضایت یا پشیمانی: احساس رضایت در صورت موفقیت و احساس ندامت در صورت زیان‌رساندن به خود و دیگران
(۳) مسئولیت‌پذیری: پذیرش آثار و عواقب عمل خود، جبران زیان‌های وارده، استواری عهدها و پیمان‌ها، نظام پاداش‌ها و مجازات‌ها.

هم‌چنین از کلمه «به همین جهت» می‌فهمیم: خود را مسئول کارهای خود دانستن: علت و پذیرش آثار و عواقب عمل خود: معلول و نتیجه آن است.

۲- رابطه علت و معلولی

از کلمه «زیرا» می‌فهمیم: کار اشتباه را از آن خود دانستن به دلیل اختیار: علت و احساس ندامت و پشیمانی از آن کار: معلول و نتیجه آن است.



۱- **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ:** خداوند متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی راه را به انسان نشان داد. در حقیقت، فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است.

۲- **إِنَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُورًا:** اصلی ترین قسمت آیه، همین عبارت است.

انسان خودش مختار است که یا راه هدایت و راهنمایی خداوند را انتخاب کند و بدین ترتیب سپاس گزار و شاکر باشد و یا راه گمراهی را انتخاب نماید و از لطف و هدایت الهی بهره نبرد و ناسپاس باشد. در حقیقت، شکرگزاری یا کفران، به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد. پیام اصلی این آیه، قدرت اختیار انسان است، نه هدایت او.

۳- **ارتباط مفهومی:** این آیه با آیات: ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اَیْدِیْكُمْ وَ اَنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِیْدِ﴾ و ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَیْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ وَ مَن عَمِيَ فَعَلٰیهَا﴾ هم‌مفهوم است و هر دو بیانگر اختیار انسان است.

۴- **نکته ترکیبی (۱):** (درس ۲-دهم) یکی از سرمایه‌های انسان، قدرت اختیار اوست. خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

۵- **نکته ترکیبی (۲):** (درس ۲-دوازدهم) آیه: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ بیانگر توحید در ربوبیت است.

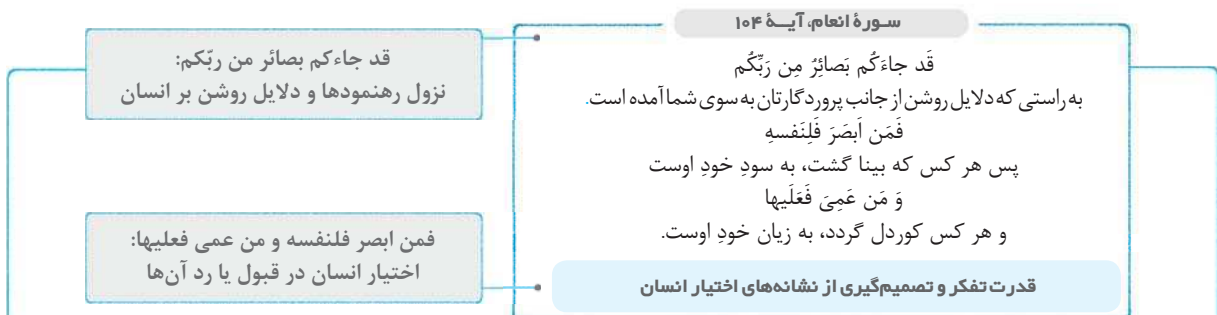
پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات کدام‌یک از شواهد و نشانه‌های وجود اختیار در انسان را بیان می‌کند؟

۱- «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَیْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ وَ مَن عَمِيَ فَعَلٰیهَا: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.»

این آیه بیانگر این است که خداوند، رهنمودها و دلایل روشن خود را برای ما انسان‌ها می‌فرستد و این انسان است که باید براساس تفکر و تصمیم با این رهنمودها مواجه شود. او هم می‌تواند این دلایل روشن را نادیده بگیرد و تصمیم به مخالفت و نادیده گرفتن آن‌ها بگیرد و هم می‌تواند با تفکر و تصمیم درست، دست به انتخاب صحیح بزند و به نفع خویش گام بردارد. اشاره آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری، نشانه‌ای از اختیار انسان است.

۲- «ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اَیْدِیْكُمْ وَ اَنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِیْدِ: این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست [و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.»

این آیه اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است. اشاره خداوند به این مطلب نشان از اختیار انسان است، زیرا اگر انسان اختیاری در انجام اعمال خود نداشت، یقیناً مسئول کردار خود نیز نبود و نباید به خاطر این رفتارها مجازات می‌شد.



۱- **قَدْ جَاءَكُمْ بَصَیْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ:** این عبارت می‌گوید که رهنمودها و دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده است، یعنی خداوند، انسان را هدایت کرده است و راه درست را به او نشان داده است: ارزانی شدن یا نزول رهنمودها و دلایل روشن الهی بر انسان.



تذکره قرآن (۱)

۲- **فمن ابصر فلنفسه:** این عبارت، بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در قبول این رهنمودهاست. سود ایمان و ثمره پذیرش دلایل روشن الهی به خود انسان برمی‌گردد و انسان‌ها در انتخاب راه آزادند. کسی که بصیرت دارد و چشم دل را بر رهنمودهای الهی باز می‌کند، خودش از ثمرات آن بهره می‌برد.

۳- **و من عمی فعلیها:** این عبارت نیز بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در رد این دلایل روشن است. زیان کفر و نافرمانی از خداوند، به خود انسان برمی‌گردد.

کسی که چشم دل را بر روی حقیقت می‌بندد، کور است و خودش زبان می‌بیند.

۴- **ارتباط مفهومی:** این آیه با آیه: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ ارتباط دارد و هر دو بیانگر اختیار انسان در قبول یا رد هدایت الهی است. هم‌چنین با آیه: ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ﴾ نیز مرتبط است و هر دو بیانگر اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش است.

۵- **نکته ترکیبی:** (درس ۲. دوازدهم) نزول دلایل روشن بر انسان و عبارت: ﴿مَنْ رَتَبَكُمْ﴾ در این آیه، هر دو بیانگر توحید در ربوبیت است. هم‌چنین عبارت: ﴿فَمَنْ ابْصُرْ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ با عبارت ﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ﴾ ارتباط دارد و در هر دو، کسی که دل خود را بر حقیقت ببندد، کور و هر کس چشم دل را بر حقیقت باز بگذارد، بینا نامیده شده است.

سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ
این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست.
وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ
[و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.

مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار انسان

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ:
علت آتش دوزخ، گناهان اختیاری انسان

وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ:
ظلم نکردن خدا به بندگان

۱- **ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ:** انسان مختار است و به همین جهت مسئول اعمالش است. کیفر و عقوبت الهی، براساس اعمال اختیاری و آگاهانه انسان در دنیا است: **مسئولیت‌پذیری انسان.**

۲- **وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ:** کیفرهای الهی، ظلم خدا بر انسان نیست، زیرا خداوند عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند، بلکه ظلم انسان بر خود با انجام گناه در دنیا است.

۳- **رابطه علت و معلول:** از کلمه «به خاطر» می‌فهمیم: ارتکاب گناهان اختیاری در دنیا و ظلم نکردن خدا به بندگان: علت و گرفتاری به عقوبت الهی در قیامت: معلول و نتیجه آن است.

۴- **ارتباط مفهومی:** این آیه با دو آیه قبل، یعنی ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ و ﴿فَمَنْ ابْصُرْ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ هم‌مفهوم است و هر سه به اختیار انسان اشاره دارند.

۵- **نکته ترکیبی (۱):** (درس ۶. دهم) با توجه به آیه «فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند در حالی که به خود ظلم کرده‌اند می‌گویند: شما در دنیا چگونه بودید؟ گفتند: ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند: مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟» به اختیار انسان در انجام گناه پی می‌بریم.

۶- **نکته ترکیبی (۲):** (درس ۵. دهم) این آیه که به ظلم نکردن خداوند اشاره دارد، بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است و با آیه: ﴿إِنَّمَا نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُسَدِّينَ فِي الْأَرْضِ﴾ ارتباط دارد.

۷- **نکته ترکیبی (۳):** (درس ۸. دهم) آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ نیز، گرفتاری به آتش جهنم را نتیجه گناه خوردن مال یتیم از روی ظلم در دنیا بیان کرده است.

۸- **نکته ترکیبی (۴):** (درس ۶. دوازدهم) مطابق با سنت الهی میان عمل و کیفر تناسب وجود دارد و خداوند به کسی ظلم نمی‌کند. مفهوم این آیه با آیه: ﴿مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي الْآمِلُهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾ تناسب دارد.

هم‌چنین در آیه: ﴿وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَخَذْنَا مِنْهُمُ ابْنَاءَ كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ نیز گرفتاری جامعه نتیجه گناهان مستمر اختیاری افراد جامعه بیان شده است.

قانون مندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

تبیین نسبت اختیار با قوانین حاکم بر هستی و تدبیر خداوند

- خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آن‌جا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.
- ممکن است در این‌جا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می‌کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می‌کند و به پیش می‌رود؛ به عبارت دیگر، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است (قانون‌مند است)؛ پس در این صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

قدر و قضای الهی

قبل از پاسخ به این سؤال لازم است این دو اصطلاح قرآنی، یعنی «قدر» و «قضا» را بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آن‌ها عمیق‌تر تأمل کنیم.

مفهوم «قدر» و «تقدیر»

- «قَدْر» و «قَدَر» به معنای «اندازه» است.
- «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است.
- مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند.

مفهوم «قضا»

- «قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»؛ «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.
- مخلوقات جهان، از آن جهت که با فرمان، حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.

مفهوم قضا و قدری جهان

- پس این که می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا). به همین دلیل، نه در نقشه جهان (تقدیر) نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن (قضا).

اعتقاد به قضا و تقدیر الهی، مبنای کار و فعالیت اختیاری انسان

- حال با توجه به معنای قدر و قضا، اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت (قانون‌مند نبود)، آیا می‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟
- از این‌رو، فقط با زندگی در یک جهان قانون‌مند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، زیرا اگر وقایع جهان قانون‌مند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.
- آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست، یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.
- اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بداند، اگر واقعاً خواهد همین نگاه را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ آیا امکان استفاده از اختیار را در چنین جهانی خواهد داشت؟

درباره سؤال‌های قسمت قبل بیندیشید و نظر خود را درباره هر یک از آن‌ها ارائه دهید.

کسی که تقدیرهای جهان را نبیند و نظم جهان را اتفاقی از میان میلیاردها اتفاق دیگر تلقی کند، دچار هراس، دلهره و وحشت می‌شود و یأس و ناامیدی وجود او را فرا خواهد گرفت.

نسبت به فردای جهان، ناامید است و جهان را محدود به همین دنیای مادی می‌داند.

در چنین جهانی، انسان از خود اراده و اختیار ندارد و هر لحظه در معرض حوادث و اتفاقات پیش‌بینی نشده قرار می‌گیرد که منجر به جبرگرایی می‌شود.

چنین فردی، دچار پوچی، ترس و وحشت می‌شود و احساس امنیت خاطر از زندگی او رخت برمی‌بندد.

۱- توضیح

این قسمت ناظر بر یک مسئله مهم در بحث اختیار انسان است. آن مسئله این است که در دایره قضا و قدر الهی، اختیار انسان چگونه توجیه‌پذیر است. برای فهم درست پاسخ، به توضیح مفهوم «قضا» و «قدر» الهی و رابطه آن با صفات خداوند پرداخته است. همین اعتماد به قضا و قدر الهی موجب فهم درست جهان و فعالیت آگاهانه انسان برای پیشرفت می‌شود.

۲- کلیدواژه

تمامی واژه‌هایی که در هر یک از کلیدواژه‌ها آمده، بر آن مفهوم دلالت دارد.

تقدیر: تعیین اندازه، حدود، طول و عرض، حجم، ویژگی، کیفیت، موقعیت مکانی و زمانی، کلیه روابط میان موجودات، نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها، قانون‌مندی، نظام تعیین‌شده میان موجودات

رابطه تقدیر با صفات الهی: تقدیر، برخاسته از علم و حکمت خداست.

- قضا:** به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن، حتمیت بخشیدن، ایجادشدن، اجرا و پیاده کردن، بنانهادن ساختمان هستی، خلق کردن، تأثیرگذاری در نظام آفرینش، وساطت اسباب و فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین‌شده از جانب خداوند.
- رابطه قضا با صفات الهی:** قضا برخاسته از قدرت، اراده، حکم، فرمان و مشیت خداوند است.

۳- رابطه علت و معلولی

از کلمه «به همین دلیل» می‌فهمیم که: تقدیر و قضای جهان به علم و اراده الهی: علت و نبود نقص در نقشه جهان (تقدیر) و اجرا و پیاده کردن آن (قضا): معلول و نتیجه آن است. هم‌چنین از کلمه «به سبب» می‌فهمیم که: اعتماد به تقدیر و قضای الهی: علت و انجام کار و فعالیت در جهان: معلول و نتیجه آن است.

از کلمه «زیرا» نیز می‌فهمیم که: قانون‌مندی وقایع جهان: علت و امکان بهره‌مندی انسان از اختیار و انتخاب خود معلول و نتیجه آن است.



اصلاح یک پندار

اقضا و قدر الهی، عامل حرکت اختیاری انسان

برخی که می‌پندارند قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است، تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر از قانون‌مندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند؛ در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده‌خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است. این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است. پس بدون قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

برداشت اشتباه: جبری‌انگاری قضای الهی و نفی اختیار

روزی امیر مؤمنان علی علیه السلام با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای این که مبدا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آن جا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین، آیا از قضای الهی می‌گریزی؟»

امام فرمود: «نه، از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» یعنی از نوعی قضا و قدر الهی به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.

برداشت نابه‌جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است.

برداشت درست: تقدیر و قضای الهی همان نظام حاکم بر جهان

امیرالمؤمنین علیه السلام با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. در واقع، فرو ریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند. بنابراین، جهان آفرینش مجموعه‌ای از قدرها و قضا‌های الهی است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

۱- توضیح

سخن امیر مؤمنان در پاسخ به یکی از اصحاب خود، قانون‌مندی قابل اعتماد و امکان حرکت اختیاری را آشکارتر می‌سازد. برداشت آن مرد این بود که انسان، اختیار ندارد و قضای الهی ارتباطی با نظام این جهان ندارد و اگر قضای الهی بر مرگ کسی باشد، چه پای دیوار خراب و چه پای دیوار محکم، می‌میرد. امیر مؤمنان به آن مرد آموخت که قضای الهی برای دیواری با این تقدیر که سست باشد و برای دیواری با آن تقدیر که مستحکم باشد، متفاوت است. برداشت غلط آن شخص، هر حرکت



اختیاری از جانب انسان را بیپوده و عبث می‌شمرد، اما عمل امیر مؤمنان به ما می‌آموزد که اگر اندیشه‌ی درستی درباره‌ی قضا و قدر داشته باشیم، می‌توانیم اهل تحرک و پویایی باشیم.

۲- پیام حدیث

سخن امیر مؤمنان که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» بیانگر آن است که هر تقدیر خاص، قضای خاص خود را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، هر قضای الهی، متناسب با تقدیر و ویژگی آن موجود است. به همین علت، قضای دیوار کج، ریختن و قضای دیوار مستحکم ایمن بودن است.

اختیار انسان، یک تقدیر الهی

امصادیقی از تقدیرات الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیله‌ی خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه‌ی ویژگی‌ها، کیفیت‌ها، کمیت‌ها و کلیه‌ی روابط میان موجودات می‌شود.

این که آب در چه درجه‌ای به جوش آید، تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقدیرات الهی است.

اختیار انسان به عنوان مصداق از تقدیر الهی

یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده‌ی خود انجام داده است.

توضیح

این بخش توضیح می‌دهد که نه تنها اختیار با تقدیر در تقابل نیست، بلکه خداوند چنین تقدیر کرده است که انسان کارهای خود را با اختیار انجام دهد. البته همان‌طور که در ابتدای درس گفتیم، همه‌ی کارهای انسان اختیاری نیست مثل تپش قلب؛ اما آن دسته از کارها که

انسان با تفکر و اندیشه‌ی خود انجام می‌دهد، فعل اختیاری محسوب می‌شود و خداوند این تقدیر را برای انسان قرار داده است که به اختیار خود چنین کارهایی را انجام دهد. در نتیجه داشتن اختیار انسان، خود یک تقدیر الهی است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

طرح مسئله

■ در این جا ما با یک مسأله دیگر روبه رو می شویم. آن مسئله این است که: چگونه می توان هم به قضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علت، بر دو دسته اند: **۱** علت عرضی، **۲** علت طولی.

۱- علت عرضی

■ در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند.
مثال برای رویش یک گل، مجموعه ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند یا مثلاً وقتی دو نفر دسته های یک گلدان بزرگ را می گیرند و جابه جا می کنند. هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می کند که باعث جابه جایی گلدان می شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می کند تا گل بروید یا گلدان جابه جا شود. این گونه علت را «علت عرضی» می گویند. در علت عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲- علت طولی

■ گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند.

مثال به هنگام نوشتن، چند عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند:

اول: نفس یا روح که اراده نوشتن می کند.
دوم: ساختار عصبی بدن که با اراده نفس، موجب حرکت دستمان می شود.
سوم: دست که قلم را به حرکت درمی آورد.

چهارم: قلم که با حرکت خود در صفحه، جملات را می نگارد.
 کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می گیرد. قلم می نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده ای است که برآمده از نفس شماس است. این علت ها را «علت طولی» می گویند.

■ در مثال پرورش گل، علت ها در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علت ها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند، بلکه نسبت به هم در مرتبه های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است).

اختیار انسان، در طول اراده خداوند

■ وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده ایم، آن کار انجام نمی گیرد، در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۱- توضیح

در بحث علت عرضی این موارد مطرح می شود: وجود چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر - اعمال اثر خاصی مستقل از سایر عوامل - نقش متفاوت و مستقیم هر عامل - عدم امکان انجام یک کار به صورت تنهایی

در بحث علت طولی این موارد مطرح می شود: تأثیر عوامل به صورت تقدم و تأخر - دخالت چند عامل با یکدیگر نه به صورت مستقل - امکان نسبت دادن عمل به هر یک از عوامل - علت بودن هر علت از عامل بالاتر - با توجه به ویژگی های علت طولی، اراده ما در طول اراده

خداست و زمانی که انسان به فعل اختیاری دست می زند، در عین این که خودش آن عمل را انجام داده، چون اراده اش وابسته به خداست، می گوئیم آن فعل نیز کار خداست.

۲- کلیدواژه

علت طولی: علت هایی که به صورت مقدم و مؤخر و در مرتبه های مختلف، اثر خود را به علت بعدی منتقل می کنند تا معلول ایجاد شود.
علت عرضی: علت هایی که در یک ردیف و در کنار هم، اثر خود را با همکاری سایر عوامل اعمال می کنند تا معلول ایجاد شود.

با این که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت ها و چه در شکست های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان ها می کوشند شکست های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟
 شکست ها برای انسان ناخوشایند است و انسان ها همواره سعی بر فرار از آن ها دارند. آن ها به دنبال مقصری هستند تا اشتباهشان را به گردن او بیندازند. اگر این طور نبود چرا کسی موفقیت هایش را به قضا و قدر الهی نسبت نمی دهد؟

نمونه

پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی علیه السلام سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟
 آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تپه ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی.»
 آن مرد پرسید: «پس رنج های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می شود.)



امام علیه السلام، فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آنجا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ یک از این مراحل مجبور نبودید.» سپس امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از این که گفتم رفتنتان بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می شد.»

۱- توضیح

حضرت علی علیه السلام در این واقعه به بیان رابطه قضا و قدر الهی و اراده و اختیار انسان می پردازد. این صحیح است که رفتن به جنگ و جهاد در راه خدا بنا بر قضا و قدر الهی صورت گرفته است اما از آنجا که انسان اختیار دارد و می تواند جهاد در راه خدا یا چیزهای دیگر را انتخاب کند،

جبری در کار نیست و به خاطر همین انتخابهاست که نظام پاداش و جزا در دنیا و آخرت معنا دارد.

۲- رابطه علت و معلولی

جبری و حتمی بودن قضا و قدر الهی: علت، باطل و بیهوده شدن پاداشها و مجازات: نتیجه و معلول است.

سؤال ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آینده مرا می داند، پس دیگر تلاش و اراده من چه نقشی در آینده ام دارد؟»

پاسخ چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از مقایسه کردن علم خدای متعال با علم انسان است و از لغزشگاههایی است که قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می دهد.

کلید پاسخ به این سؤال در این نکته نهفته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرایند انجام حوادث را در بر می گیرد. در حالی که علم انسانها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتبال که نتیجه یک مسابقه را پیش بینی می کند، یا معلمی که آینده یک دانش آموز را حدس می زند، هر یک براساس اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می زنند؛ اما آن معلم علم ندارد که این دانش آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم هایی خواهد گرفت، آیا متحوّل خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. در حالی که علم خداوند این گونه نیست. او همان طور که پایان فرایند را می بیند بر تمام اتفاقات و تصمیم گیری های طول فرایند هم شاهد و گواه است. او می داند که مثلاً فردا آن دانش آموز به اختیار خود تصمیم می گیرد ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می گیرد از میزان خواب خود کم کند و ده ها تصمیم اختیاری دیگر. هم چنین می بیند که این تصمیمها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله تصمیمها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت علم خداوند، پیش بینی صرف درباره نتیجه نیست، بلکه خداوند با شناخت کامل و دقیقی که از مخلوقات خود دارد، می داند که این فرد با انتخاب خودش، چه مسیری را در پیش می گیرد.

پیش بینی



توضیح

در واقع چون علم خداوند محدود به زمان نیست و آینده و گذشته برای آن معنایی ندارد ابتدای عمل، حین عمل و انتهای آن را می داند و به

همین دلیل با علم انسان که محدود به زمان است و هر چیزی که می داند مربوط به گذشته و زمان حال و نهایتاً پیش بینی نسبت به آینده می باشد. تفاوت دارد.

پرسش های چهارگزینه ای

کنکور

۲۴۳- با توجه به این که اختیار انسان، یک تقدیر الهی است، کدام مورد رابطه میان اختیار و تقدیر الهی را به درستی بیان می کند؟

(فارج از کشور انسانی ۹۸)

- ۱) تقدیرات، هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدودکننده آن است.
- ۲) اختیار انسان با تقدیر الهی به طور کامل سازگار است اما با قضای الهی ناسازگار می باشد.
- ۳) خداوند اختیار را ویژگی ذاتی آدمی قرار داده است و هیچ چیز نمی تواند مانع اراده او شود.
- ۴) خداوند، قدرت اختیار و اراده به انسان عطا کرده است، فقط مشیت الهی مانع از اختیار انسان است.

(تهری ۹۸)

۲۴۴- ویژگی ذاتی انسان کدام است و این ویژگی با اراده خداوند چه رابطه ای دارد؟

- ۱) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می دهد - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.
- ۲) بر مبنای تقدیر الهی او در همه امور زندگی مختار است - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.
- ۳) بر مبنای تقدیر الهی او در همه امور زندگی مختار است - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.
- ۴) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می دهد - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

۲۴۵- اگر بگوییم «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن گفته ایم که مبنای آن، قبول علل است و حاکمی از الهی می باشد.

(تهری ۹۸)

- ۱) درستی - طولی - تقدیر ۲) نادرستی - طولی - قضای ۳) درستی - عرضی - تقدیر ۴) نادرستی - عرضی - قضای

(انسانی با تغییر)

۲۴۶- مفهوم کدام آیه شریفه به انسان این اطمینان را می‌دهد که می‌تواند از قدرت اختیار خود استفاده کند؟

- ۱) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
 ۲) ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطٰكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادِي﴾
 ۳) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 ۴) ﴿وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾

(زبان ۹۸)

۲۴۷- با توجه به عبارت شریف ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ تقدیر الهی برای انسان چیست؟

- ۱) مشیت الهی، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.
 ۲) مسئولیت‌پذیری، مبنای عهدها و پیمان‌های ماست.
 ۳) بصیرت الهی، مانع از گمراهی و ضلالت انسان است.
 ۴) رضایت و ندامت، نشانگر قدرت انسان بر انجام کار است.

۲۴۸- کدام آیه شریفه عقیده «جبرگرایی» را نفی می‌کند و زندگی در جهان قانون‌مند، این امکان را به ما می‌دهد تا به هدف‌های خود برسیم. این قانون‌مندی

(ترکیبی ریاضی ۹۶ و ۹۷ با تغییر)

چه نامیده شده است؟

- ۱) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - قضا و قدر الهی
 ۲) ﴿إِنَّمَا أَعْطٰكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - قضا و قدر الهی
 ۳) ﴿إِنَّمَا أَعْطٰكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - نظام علی و معلولی
 ۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - نظام علی و معلولی

(هنر ۹۷)

۲۴۹- حضرت علی (ع) با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» چه مطلبی را به یارانشان آموزش دادند؟

- ۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.
 ۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم‌گیری‌های او براساس دستور عقل تحقق می‌یابد.
 ۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان، عامل و زمینه‌ساز تحرک و عمل انسان است.
 ۴) فروریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می‌کند.

(هنر ۹۵ با تغییر)

۲۵۰- اختیار در انسان چگونه امری است و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

- ۱) مشهود و انکارناپذیر - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
 ۲) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
 ۳) مشهود و انکارناپذیر - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
 ۴) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

(زبان ۹۵ با تغییر)

۲۵۱- با توجه به این که دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده، ثمره اطاعت و زبان نافرمانی کدام است؟

- ۱) ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
 ۲) ﴿وَلَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
 ۳) ﴿إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 ۴) ﴿وَلَنْ زَالًا إِنَّمَا مَسْكُوهَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ...﴾

(ریاضی ۹۴)

۲۵۲- از آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ کدام مفهوم، دریافت می‌شود؟

- ۱) فلسفه نبوت، نشان‌دادن راه به انسان است و شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.
 ۲) هدایت انسان‌ها به وسیله خداوند و از طریق پیامبران صورت می‌گیرد و نداشتن اختیار برای انسان امر عادی است.
 ۳) فلسفه نبوت، نشان‌دادن راه به انسان است و خداوند به وسیله پیامبران راه شکرگزاری را تبیین می‌کند.
 ۴) هدایت انسان‌ها به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد و آن‌ها شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند.

۲۵۳- تعیین اندازه، ویژگی‌ها و نقشه پدیده‌ها چه نام دارد و برخاسته از چیست و موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، تسلیم چه چیزی هستند؟

(انسانی و هنر ۹۴ با تغییر)

- ۱) تقدیر - علم الهی - قضای الهی (۲) قضا - علم الهی - قضای الهی (۳) تقدیر - قدرت الهی - تقدیر الهی (۴) قضا - قدرت الهی - تقدیر الهی

(ریاضی ۹۳)

۲۵۴- اگر از ما بپرسند: «صحنه بروز و ظهور اختیار انسان، کجا است؟»، می‌گوییم: آن‌جا است که

- ۱) باطل با تمام آلودگی‌های فطرت‌آزارش خودنمایی کند.
 ۲) قضا و قدرهای متفاوت، او را احاطه کرده باشند.
 ۳) جایگاه خود را در نظام قانون‌مند آفرینش، درک کرده باشد.
 ۴) حق با همه زیبایی‌های فطرت‌پسندش به او عرضه شود.

۲۵۵- «جوشش آب در درجه مشخص» و «برخورداری انسان از اختیار»، به ترتیب از مصادیق و الهی است که امر دوم برخاسته از علل است.

(تبری ۹۳)

- ۱) تقدیر - تقدیر - طولی (۲) تقدیر - قضا - طولی (۳) قضا - تقدیر - عرضی (۴) قضا - قضا - عرضی

۲۵۶- «تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین‌شده از سوی خداوند»، به ترتیب از مظاهر و الهی‌اند.

(انسانی با تغییر)

- ۱) قدر - قضا (۲) قضا - قضا (۳) قضا - قدر (۴) قدر - قدر

۲۵۷- هرگاه فروریختن دیوار کج را بر انسانی که زیر آن نشسته و متوجه کجی و سستی آن است، یک قضای الهی بدانیم، فرار از این قضا، امری

(زبان ۹۳ با کمی تغییر)

است که پیام آیه شریفه حاکی از این حقیقت است.

- ۱) ناممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 ۲) ممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 ۳) ناممکن - ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾
 ۴) ممکن - ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾

(ریاضی ۹۲ با تغییر)

۲۵۸- اگر بگوییم: «نه در نقشه جهان، نقصی هست و نه در اجرا و پیاده‌کردن آن» به ترتیب بر فهم درست و تأکید نموده‌ایم.

- ۱) قضا - قضا (۲) قدر - قضا (۳) قدر - قدر (۴) قضا - قدر

۲۵۹- اعطای ویژگی «مختار بودن» به انسان و «مابعد بودن» به آب، بیانگر خداوند است و خروج هر یک از این دایره، به ترتیب و است.

- (۱) تقدیر - ممکن - ناممکن (۲) قضای - ممکن - ممکن (۳) تقدیر - ناممکن - ناممکن (۴) قضای - ناممکن - ممکن (تهرنی ۹۲)
 (انسانی ۹۲)

۲۶۰- از دقت در پیام آیه شریفه ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُوْرًا﴾ مفهوم می‌گردد که

- (۱) انسان، در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد
 (۲) هدایت به راه کمال، خواه‌ناخواه توأم با فراز و نشیب‌ها است
 (۳) قانون لطف، ایجاب می‌کند که هدایت انسان را که هرگز در آن تخلفی نخواهد بود
 (۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، راه را به انسان نشان داد

۲۶۱- فرورویختن دیوار کج، یک الهی است. این متناسب با آن دیوار، یعنی کجی آن است، و حضرت علی علیه السلام در پاسخ آن فرد فرمودند: از الهی به الهی پناه می‌برم.

- (۱) تقدیر - تقدیر - قضای - قضای - قدر
 (۲) قضای - قضا - تقدیر خاص - قضای - قدر
 (۳) قضای - قضا - تقدیر خاص - تقدیر - قضای
 (۴) تقدیر - تقدیر - تقدیر - تقدیر - قضای

۲۶۲- از دقت در آیه شریفه ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُوْرًا﴾ مفهوم می‌گردد که است و ویژگی اختیار انسان، الهی است.

- (۱) اراده انسان، در طول اراده خداوند - مقضی به قضای
 (۲) اراده انسان، در طول اراده خداوند - مقدر به تقدیر (فارج از کشور ۹۰ با کمی تغییر)
 (۳) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریح - مقدر به تقدیر
 (۴) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریح - مقضی به قضای

۲۶۳- اگر بگوییم: «پیاپی کردن قوانین حاکم بر هستی به وسیله خداست» مفهوم این جمله آن است که حوادث جهان، وابسته به الهی است و ارزانی شدن «دلایل روشن» مفهوم به دست آمده از آیه می‌باشد.

- (۱) قضای الهی - ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُوْرًا﴾
 (۲) تقدیر الهی - ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُوْرًا﴾
 (۳) تقدیر الهی - ﴿قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
 (۴) قضای الهی - ﴿قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

۲۶۴- توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان معرفت به الهی است که برخاسته از است.

- (۱) متبوع - تقدیر - علم (۲) متبوع - قضای - اراده (۳) تابع - تقدیر - علم (۴) تابع - قضای - اراده (تهرنی ۹۰ با کمی تغییر)

۲۶۵- رابطه جاذبه موجود میان اشیا از الهی است و از خداوند سرچشمه می‌گیرد.

- (۱) تقدیر - علم (۲) تقدیر - قدرت (۳) قضای - علم (۴) قضای - قدرت (انسانی ۹۰ با کمی تغییر)

۲۶۶- نظام تعیین‌شده میان موجودات، الهی است و خلق و اجرای موجودات خداوند است و خاستگاه تقدیر او است.

- (۱) مقضی به قضای - مقدر به تقدیر - علم
 (۲) مقدر به تقدیر - مقضی به قضای - علم
 (۳) مقدر به تقدیر - مقضی به قضای - اراده و مشیت
 (۴) مقضی به قضای - مقدر به تقدیر - اراده و مشیت (هنر ۹۰ با کمی تغییر)

۲۶۷- با توجه به توحید و مراتب آن، در فهم قضا و قدر الهی که قضا برخاسته از و قدر برخاسته از است، تکیه‌گاه می‌باشد.

- (۱) علم - اراده - قضا - تقدیر
 (۲) علم - اراده - تقدیر - قضا
 (۳) اراده - علم - قضا - تقدیر
 (۴) اراده - علم - تقدیر - قضا (فارج از کشور ۸۹ با کمی تغییر)

۲۶۸- تعیین نقشه پدیده‌ها با خداوند و تحقق آن با اوست که به ترتیب و رقم می‌خورد.

- (۱) علم - اراده - قضا - تقدیر (۲) اراده - علم - قضا - تقدیر (۳) علم - اراده - تقدیر - قضا (۴) اراده - علم - تقدیر - قضا (هنر ۸۹)

۲۶۹- در رابطه اراده انسان با اراده خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟

- (۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست خداوند است.
 (۲) اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته و در عرض اراده خداوند است.
 (۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سر زند داخل در تقدیر الهی است.
 (۴) حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر الهی است.

۲۷۰- نزول دلایل روشن بر انسان و «اختیار او» در قبول یا رد آن، از دقت در کدام آیه مفهوم می‌گردد؟

- (۱) ﴿اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ فَيَهِيْهِ بِأَمْرِهِ﴾
 (۲) ﴿إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَّ الْاَرْضَ اِنْ تَرَوٰنَا﴾
 (۳) ﴿لَقَدْ اَرْسَلْنَا رَسُلًا بِالْبَيِّنٰتِ وَّ اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَّ الْمِيزَانَ﴾
 (۴) ﴿قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

۲۷۱- از آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ ...﴾ کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

- (۱) با وجود روشن بودن اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم.
 (۲) اختیار، یک حقیقت عقلی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد.
 (۳) همین اختیار محدود ما مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست.
 (۴) اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است و به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.

۲۷۲- بین نظام مقدر جهان و اراده و اختیار انسان رابطه حاکم است، به این معنی که می‌باشد.

- (۱) طولی - اراده انسان مؤخر از اراده خداوند
 (۲) عرضی - اراده انسان مؤخر از اراده خداوند
 (۳) طولی - انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او
 (۴) عرضی - انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او (ریاضی ۸۷)



۲۷۳- آن جا که یک عامل در عامل دوم تأثیر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه همکاری دارند تا یک معلول محقق شود، به ترتیب، علل و علل محقق شده و مثال موافق با آن و می‌باشد. (ریاضی ۸۶)

- (۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش
(۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل
(۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش
(۴) طولی - عرضی - نگارش - رویش گل

تالیفی

۲۷۴- دو بیت زیر با کدام عبارت پیرامون اختیار انسان، تناسب مفهومی دارد؟

«گفت کز چوب خدا این بنده‌اش می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش

چوب حق و پشت و پهلو، آن او من غلام و آلت فرمان او،

- (۱) بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم و آن‌ها را انتخاب نمی‌کنیم.
(۲) با وجود روشن‌بودن اختیار، شواهدی برای استدلال آن را در بیرون از خود می‌یابیم.
(۳) اختیار که معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی و غیر قابل انکار است.
(۴) میان حرکات اختیاری انسان با حرکات غیراختیاری او تفاوت اساسی وجود دارد که امری مشهود است.

۲۷۵- قرآن کریم چه علتی را برای ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ بیان کرده است؟

- (۱) هدایت او به راه رستگاری (۲) کردار نادرست پیشین (۳) نزول دلایل روشن الهی (۴) تخلف‌ناپذیری از قضا و قدر الهی

۲۷۶- آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، ریشه در فهم کدام مسئله دارد؟

- (۱) هر حادثه‌ای هدف معین و مشخصی دارد و از سر غفلت یا ندانم‌کاری رخ نمی‌دهد.
(۲) خداوند هر یک از مخلوقات را با ویژگی‌ها و اندازه‌های خاص آفریده که سبب نتیجه معینی می‌شود.
(۳) نظم فعلی جهان یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر است.
(۴) ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است و ما مختار نیستیم.

۲۷۷- در کدام یک از آیات شریفه به یک حقیقت وجدانی و بی‌نیاز از استدلال، اشاره شده است؟

- (۱) ﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (۲) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
(۳) ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ (۴) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

۲۷۸- خداوند این گونه نموده که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و هیچ‌کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی اوست، فرار کند، حتی

اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده است، چون

- (۱) تقدیر - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.
(۲) قضا - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.
(۳) تقدیر - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.
(۴) قضا - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد.

۲۷۹- اگر بخواهیم با بررسی علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، کل یک عمل را به هر یک از عوامل نسبت دهیم، باید چه دیدگاهی در

خصوص آن عوامل داشته باشیم؟

- (۱) یک عامل در هر یک از عوامل بعدی اثر می‌گذارد تا اثر خود را به معلول منتقل کند.
(۲) چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری عوامل دیگر مشارکت می‌کنند.
(۳) هر کدام از عوامل نیروی خاص و مستقل از دیگری وارد می‌کنند و نقشی متفاوت بر عهده دارند.
(۴) هر علتی، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد تا به نخستین عامل می‌رسد.

۲۸۰- چرا امام علی علیه السلام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم»؟

- (۱) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (۲) ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾
(۳) ﴿قُلْ أَعْرِضْ عَنِ الْبَغْيِ رَبَّنَا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (۴) ﴿وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ﴾

۲۸۱- از آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود و ناظر بر کدام یک از شواهد اختیار است؟

- (۱) انسان به دلیل انسان‌بودنش، نمی‌تواند بدون دلایل روشن الهی، راه درست را تشخیص دهد - قدرت تفکر و تصمیم
(۲) انسان به دلیل انسان‌بودنش، نمی‌تواند بدون دلایل روشن الهی، راه درست را تشخیص دهد - احساس رضایت یا پشیمانی
(۳) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست‌های خود را خواه‌ناخواه تحمل کند - احساس رضایت یا پشیمانی
(۴) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست‌های خود را خواه‌ناخواه تحمل کند - قدرت تفکر و تصمیم

۲۸۲- یکی از باران حضرت علی علیه السلام که به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین، آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» چگونه قضا و قدر الهی را دریافته بود؟

- (۱) فروریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است که متناسب با قضای خداوند صورت می‌گیرد.
(۲) اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرک و عمل انسان است، بلکه متناسب با اختیار اوست.
(۳) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود ولی قضای الهی فقط با شرایط خاص تغییر می‌کند.
(۴) ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و تقدیر چیزی ویرای قانون‌مندی و نظم است.



۲۸۲- وجدانی بودن اختیار با کدام یک از مفاهیم زیر مرتبط است و به چه معناست؟

- ۱) مشهود - هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- ۲) مشهود - نفس یا وجدان انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می‌کند و او را مسئول کارهای خود می‌داند.
- ۳) معلوم - هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- ۴) معلوم - نفس یا وجدان انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می‌کند و او را مسئول کارهای خود می‌داند.

۲۸۴- پیامد اعتقاد به این‌که: «نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست.» چیست؟

- ۱) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود.
- ۲) نه در تقدیر جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.
- ۳) تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.
- ۴) جهان خلقت حافظ و نگهدارنده دارد که در کار او اشتباه نیست.

۲۸۵- مطابق تعالیم اسلامی، چگونه در فعل اختیاری تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، انجام نمی‌گیرد اما در عین حال، وجود ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؟

- ۱) اراده انسان، مقدم بر اراده خداست ولی به او وابسته است.
- ۲) انسان، اثر عامل اول یعنی خدا را بر روی سایر موجودات منتقل می‌کند.
- ۳) اختیار انسان نقشی بر عهده دارد که با نقش اراده الهی مشارکت می‌کند. ۴) اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۲۸۶- «سنجیدن جوانب کار، استوار نمودن عهدها و پیمان‌ها و دچار شدن به تردید» به ترتیب، ناظر بر کدام یک از شواهد وجود اختیار است؟

- ۱) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم
- ۲) تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم
- ۳) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - احساس رضایت یا پشیمانی
- ۴) تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت یا پشیمانی

۲۸۷- حضرت علی علیه السلام بیهوده و باطل شدن پاداش و مجازات را نتیجه کدام پندار نادرست دانسته‌اند؟

- ۱) جبری و حتمی بودن قضا و قدر
- ۲) شرک تلقی کردن توسل به ائمه علیهم السلام
- ۳) اعتقادداشتن به مقدرات الهی و نظم جهان
- ۴) اراده الهی را در عرض اراده حق دانستن

۲۸۸- اگر بگوییم: «نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن» به ترتیب بر و الهی مهر تأکید نهاده‌ایم که اصطلاح قرآنی

..... هم مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.

- ۱) علم - حکمت - دوم ۲) قدرت - حکمت - اول ۳) علم - اراده - دوم ۴) قدرت - اراده - اول

۲۸۹- کلام خداوند در عبارت: ﴿فمن ابصر فلنفسه و من عمی لفعلیها﴾ به چه معنی است و خداوند در پی: ﴿ذلک بما قَدَّمْت ایدیکم﴾ چه فرموده است؟

- ۱) برای هدایت شدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.
- ۲) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد - اگر عمل به اندازه دانه‌ای باشد، آن را حساب می‌کنیم.
- ۳) برای هدایت شدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - اگر عمل به اندازه دانه‌ای باشد، آن را حساب می‌کنیم.
- ۴) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.

۲۹۰- سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» در نفی کدام دیدگاه و حاکی از کدام حقیقت است؟

- ۱) حرکت و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است - اعتقاد به قضا و قدر، عامل و زمینه‌ساز عمل انسان است.
- ۲) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است - فروریختن دیوار کج یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.
- ۳) حرکت و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است - فروریختن دیوار کج یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.
- ۴) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است - اعتقاد به قضا و قدر، عامل و زمینه‌ساز عمل انسان است.

۲۹۱- با توجه به آیه شریفه: ﴿و انّ علیکم لحافظین﴾ تعیین فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان و سپس ریزه‌کاری‌های جهان و موقعیت مکانی موجودات آن و آیه: ﴿قل الله خالق کلّ شیء و هو الواحد القهار﴾ به ترتیب حاکی از کدام است؟

- ۱) قضا - تقدیر - قضا - تقدیر
- ۲) تقدیر - تقدیر - تقدیر - قضا
- ۳) قضا - قضا - تقدیر - تقدیر
- ۴) تقدیر - تقدیر - قضا - قضا

۲۹۲- مفهوم صحیح قدر و قضای الهی کدام است؟

- ۱) هر پدیده‌ای تقدیر و اندازه خاص خود را دارد و اراده الهی بر تعیین ویژگی‌های مخلوقات تعلق گرفته است.
- ۲) نظم حاکم بر جهان، اتفاقی از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بوده و غیر قابل تغییر و دگرگونی است.
- ۳) هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.
- ۴) تقدیر و قواعد حاکم بر جهان خلقت قابل تغییر است و گونه هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری انسان پدید نمی‌آید.

۲۹۳- ریختن دیوار کج متناسب با آن و یک الهی است، اما اگر دیگری داشته باشد، دیگری را به دنبال خواهد آورد و

انتخاب مناسب، نتیجه شناخت است.

- ۱) تقدیر - قضای - قضای - تقدیر - همه تقدیرات و قضای آن
- ۲) قضای - تقدیر - قضای - تقدیر - همه تقدیرات و قضای آن
- ۳) تقدیر - قضای - تقدیر - قضای - این دو تقدیر و دو قضا
- ۴) قضای - تقدیر - تقدیر - قضای - این دو تقدیر و دو قضا



۲۹۴- میان آیات شریفه: ﴿قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبَّنَا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ و ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرْنَا وَ إِنَّمَا كَفَرْنَا﴾ چه ارتباطی وجود دارد؟

- ۱) تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداوند است و یک اراده بر جهان حاکم است.
 - ۲) اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلیت و قدرت تصمیم‌گیری دارد.
 - ۳) انسان با شناخت قانون‌مندی‌های الهی و رد شدن از آن‌ها می‌تواند اختیار خویش را بروز و ظهور دهد.
 - ۴) در پیدایش و پرورش هر پدیده دو عامل اراده الهی و اختیار انسان به صورت همزمان و با همکاری یکدیگر مشارکت می‌کنند.
- ۲۹۵- در پرسش: «آیا از قضای الهی می‌گریزی» میان قضا و قدر الهی با اختیار انسان چه نسبتی برقرار شده است و فروریختن دیوار سست و کج متناسب با کدام مورد است؟

- ۱) سازگاری - انتخاب درست انسان
- ۲) ناسازگاری - انتخاب درست انسان
- ۳) سازگاری - تقدیر خاص آن دیوار
- ۴) ناسازگاری - تقدیر خاص آن دیوار

۲۹۶- کدام عبارت، توصیف‌کننده «قدر و قضای الهی» است؟

- ۱) قضای الهی در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.
- ۲) قضا و قدر هر دو از مظاهر حکمت خداوند در به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین هستند.
- ۳) کل آفرینش تحت امر قدر الهی است و ویژگی‌های هر موجودی قبل از ایجاد و خلق، مقدر شده است.
- ۴) قضای الهی مربوط به مقام ایجاد و آفرینش است و جهان هستی با یک اتفاق موجود شده است.

۲۹۷- کدام آیه شریفه، به دیدگاه افرادی که عهدها و پیمان‌ها را براساس مسئولیت‌پذیری انسان استوار می‌کنند، اشاره دارد؟

- ۱) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾
- ۲) ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾
- ۳) ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
- ۴) ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

۲۹۸- کدام مورد نمونه‌ای برای وابستگی علت پایینی به علت مرتبه بالایی است؟

- ۱) پرورش گل
- ۲) ساختن بنا
- ۳) تولید لباس
- ۴) نوشتن مقاله

۲۹۹- با توجه به آیات قرآن کریم، دلیل گرفتاری انسان‌ها به عقوبت در قیامت چیست و نشانه اختیار آنان با توجه به این آیه کدام است؟

- ۱) ﴿يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ﴾ - احساس پشیمانی
- ۲) ﴿بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۳) ﴿يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۴) ﴿بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ﴾ - احساس پشیمانی

۳۰۰- «کار هر یک از اعضای بدن» مرتبط با کدام مورد است و وجود آن به چه معناست؟

- ۱) تقدیر الهی - در یک جهان قانون‌مند، امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.
- ۲) قضای الهی - در یک جهان قانون‌مند امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.
- ۳) تقدیر الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباهی نیست.
- ۴) قضای الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباهی نیست.

۳۰۱- خداوند، راه بینایی و کوردلی را برای انسان‌ها چگونه باز گذاشته است و این موضوع کدام‌یک از شواهد اختیار انسان را بیان می‌کند؟

- ۱) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ - تفکر و تصمیم
- ۲) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۳) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ - تفکر و تصمیم

۳۰۲- از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) چرا باید از قضای الهی به قدر الهی پناه برد؟

- ۱) هر حادثه‌ای، فقط یک قضا و قدر دارد.
- ۲) همه امور به دست ما است و با اختیار قابل تغییر می‌باشد.
- ۳) اعتقاد به قضا و قدر، عامل انتخاب درست است.
- ۴) تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است، فقط باید تقدیر را شناخت.

۳۰۳- بدون هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید و این مورد، توسط انسان قابل است.

- ۱) قدر و قضای الهی - یافتن و بهره‌گیری
- ۲) اختیار و انتخاب - تغییر و تبدیل
- ۳) قدر و قضای الهی - تغییر و تبدیل
- ۴) اختیار و انتخاب - یافتن و بهره‌گیری

۳۰۴- بیت زیر مفهوم کدام آیه شریفه را مورد تأکید قرار داده است؟

هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

- ۱) ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ﴾
- ۲) ﴿وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾
- ۳) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾
- ۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾



۲۳۸ گزینه «۱»

ارتباط مفهومی: بیت/ آیه

مفهوم دو بیت مطرح در صورت سؤال، اخلاص در بندگی، خالص کردن دل و فکر برای خدا و بیرون کردن غیر خدا از فکر و دل است. در نتیجه باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که هم بر اخلاص برای خدا و هم بیرون کردن غیرخدا از دل اشاره داشته باشد. آیه ﴿أَلَمْ اٰعٰهٰدِ الْيٰكُمۡ...﴾ با عبارت ﴿لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ﴾ به بیرون کردن غیرخدا از دل و با عبارت ﴿اِنَّ اَعْبُدُوْنَیْ﴾ به اخلاص برای خدا اشاره دارد و پاسخ صحیح است.

۲۳۹ گزینه «۳»

ارتباط مفهومی: بیت/ بیت

همه ابیات به «افزایش معرفت نسبت به خداوند» اشاره دارد، اما گزینه (۳) به «توجه به نیازهای برتر و پیداکردن دغدغه و درد متعالی» برای رسیدن به پادشاهی وصفناشدنی اشاره دارد.

۲۴۰ گزینه «۱»

تطبيق: صفحه ۴۵/ بررسی: صفحه ۴۶

وجود جهل در جایی است که فرد نیت الهی و حسن فاعلی دارد، اما عمل خود را مطابق با دستور الهی انجام نمی‌دهد و حسن فعلی ندارد.

پوشیدن لباس تمیز برای حفظ احترام خود: فقط حسن فعلی دارد و چون ربا است، حسن فاعلی ندارد. حضور در نماز جماعت: هم حسن فعلی دارد و هم حسن فاعلی؛ زیرا هم عمل او مطابق دستور خداست و هم نیت او الهی است.

۲۴۱ گزینه «۳»

متن: صفحه ۴۸

مقاومت در برابر دام‌های شیطان، نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.

شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد.

۲۴۲ گزینه «۴»

بررسی: صفحه ۴۹

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود. حضرت یوسف علیه السلام نیز به علت داشتن اخلاص، از دام‌های شیطان که همان وسوسه‌های زلیخا بود، مصون ماند.

۲۴۳ گزینه «۱»

متن: صفحه ۵۸

تقدیرات و قانون‌مندی‌ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): اختیار انسان منافاتی با قضای الهی ندارد.

گزینه (۳): بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در نتیجه، جمله «هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود.» نادرست است.

گزینه (۴): مشیت الهی مانع اختیار انسان نیست، بلکه خداوند اراده کرده که انسان دارای اختیار باشد.

۲۴۴ گزینه «۴»

متن: صفحات ۵۵ و ۶۱

اختیار از ویژگی‌های ذاتی انسان است. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است.

در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست. در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) صحیح است که می‌گوید: انسان، کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد.

خداوند این‌گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند. در نتیجه، اختیار انسان توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست. از طرفی همه چیز تحت اختیار انسان نیست. در نتیجه قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است.

۲۴۵ گزینه «۱»

متن: صفحه ۶۱

در فعل اختیاری، تا زمانی که ما به انجام‌دادن فعلی اراده نکرده‌ایم، آن فعل انجام نمی‌گیرد. در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است، یعنی اراده انسان در طول اراده خداست. از این جملات می‌فهمیم که: جمله «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن درستی است و مبنای آن قبول علل طولی است. خداوند این‌گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد.» یعنی اختیار انسان، یک تقدیر الهی است.

۲۴۶ گزینه «۳»

آیه: انسان، ۳

خدای متعال متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپس گزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت الهی بهره نبرد و آیه ﴿اِنَّا هٰدِیْنٰ السَّبِیْلَ اَمَّا شٰكِرًا وَّ اَمَّا كٰفِرًا﴾ بیانگر این مفهوم است.

۲۴۷ گزینه «۱»

آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

آیه مطرح در صورت سؤال، بر «اختیار» انسان پس از نزول رهنمودهای الهی بر او اشاره دارد. تقدیر الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد. در واقع مشیت الهی زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): این آیه به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه مسئولیت‌پذیری.

گزینه (۳): این آیه نمی‌گوید که بصیرت الهی مانع گمراهی انسان می‌شود، بلکه بیان می‌کند رهنمودهای الهی به انسان رسیده و او با اختیار خود، تفکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد راه الهی را در پیش بگیرد یا راه شقاوت را.

گزینه (۴): این آیه به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه احساس پشیمانی یا رضایت.

۲۴۸ گزینه «۱»

آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷/ متن: صفحه ۵۸

عقیده «جبرگرایی» به معنای «مختار نبودن انسان» است. آیه ﴿قَدْ جَآءَكُمۡ بَصَآئِرٌ مِّنۡ رَبِّكُمۡ فَمَنۡ اَبْصَرَ فَلْنَفْسِهٖ وَّ مَنۡ عَمِیۡ فَعَلِیْهَا﴾ با بیان این‌که انسان مختار است که دلایل روشن الهی را بپذیرد یا نپذیرد، این عقیده را نفی نموده است. انسان می‌تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از آن‌ها استفاده کند و به هدف‌های خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می‌کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است.

۲۴۹ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۹

امیر مؤمنان با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار، از قانون و قضای الهی نشأت گرفته است.

گزینه (۲): تمام حرکات و تصمیم‌گیری‌های امام، براساس شناخت قانون و قضای الهی بود.

گزینه (۴): فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

۲۵۰ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۵/ آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

اختیار حقیقتی وجدانی و مشهود است و حتی کسی که آن را در سخن انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در نتیجه انکارناپذیر هم هست. آیه ﴿قَدْ جَآءَكُمۡ بَصَآئِرٌ مِّنۡ رَبِّكُمۡ فَمَنۡ اَبْصَرَ فَلْنَفْسِهٖ وَّ مَنۡ عَمِیۡ فَعَلِیْهَا﴾ با بیان این‌که خدای متعال، برای انسان دلایل روشن فرستاده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند، استفاده کند و یا کوری پیشه کند و از آن استفاده نماید، حاکی از اختیار است.



۲۵۱ گزینۀ «۱»

آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

با توجه به آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد. پس هر که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.» ثمره اطاعت یا زیان نافرمانی هر دو به خود انسان برمی گردد.

۲۵۲ گزینۀ «۱»

آیه: انسان، ۳

این آیه دو عبارت دارد:

اَنَا هِدْيَانَا السَّبِيلِ خداوند، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده است: فلسفه نبوت نشان دادن راه به انسان است.

اَمَّا شَاكِرًا وَاَمَّا كَفُورًا خداوند، انسان را مختار گذاشته که از راهنمایی او استفاده کند و سپاس گزار باشد یا ناسپاسی کرده و مسیر شقاوت را بپیماید: شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می گیرد.

۲۵۳ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۸

تعیین اندازه، ویژگی و نقشه پدیده‌ها: تقدیر

تقدیر برخاسته از علم الهی است.

موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند.

۲۵۴ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۸

اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت و قانون مند نبود، نمی توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب بزنیم و در این جهان فعالیت کنیم. از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانون مند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. طبق این عبارت، صحنه بروز و ظهور اختیار انسان، آن جاست که قضا و قدرهای متفاوت را او احاطه کرده باشند و انسان با شناخت نظام قضا و قدری خداوند، حرکت اختیاری انجام دهد.

۲۵۵ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۹ و ۶۰

جوشش آب در درجه مشخص: تقدیر

برخورداری انسان از اختیار: تقدیر

اراده انسان در طول اراده خداست؛ در نتیجه امر دوم برخاسته از علل طولی است.

۲۵۶ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۸

هر دو مفهوم مطرح در صورت سؤال، به طور مستقیم در کتاب درسی نیامده است و باید با توجه به مفاهیمی که از «قضا» و «تقدیر» آموخته‌ایم به این سؤال پاسخ دهیم. تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین (آفرینش) همان انجام کارها توسط مخلوقات در طول اراده الهی است. انجام کار مرتبط با قضای الهی است.

وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند نیز بیانگر انجام کارها به طور غیرمستقیم و به اذن الهی توسط فرشتگان است. انجام کارها نیز مربوط به قضای الهی است؛ زیرا در این جا، خداوند حکم و فرمان خود را از طریق فرشتگان به اجرا درمی آورد که همان مفهوم قضای الهی را می‌رساند.

۲۵۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۹/آیه: انسان، ۳

با توجه به سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» فرار از این قضا، امری ممکن است و می‌توان با پناه بردن به دیواری مستحکم از آن جلوگیری کرد. این امر که کاری اختیاری است و به اختیار انسان در پرتو قضا و قدر الهی اشاره دارد، از آیه ﴿اَنَا هِدْيَانَا السَّبِيلِ اَمَّا شَاكِرًا وَاَمَّا كَفُورًا﴾ برداشت می‌شود.

۲۵۸ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۸

نقشه جهان یعنی ویژگی‌ها و حدود و موقعیت مکانی و زمانی که حاکی از تقدیر است.

اجرا و پیاده کردن آن، حاکی از قضای الهی است.

۲۵۹ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۹

مختار بودن انسان: تقدیر الهی

مابع بودن آب: تقدیر الهی

خروج از تقدیرات الهی: ناممکن است.

لطفاً با گزینۀ مربوطه مطابقت داده شود.

۲۶۰ گزینۀ «۱»

آیه: انسان، ۳

خداوند متعال، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاس‌گزار باشد یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد. پیام اصلی این آیه، اختیار انسان است. در نتیجه باید گزینۀ (۱) را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره دارد. از میان گزینۀ (۱) بیانگر انتخاب است.

۲۶۱ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۹/ حدیث: صفحه ۵۹

فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

۲۶۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحات ۵۹ و ۶۷

آیه مطرح در صورت سؤال به اختیار انسان اشاره دارد. اختیار انسان، در طول اراده خداوند است. ویژگی اختیار، یک تقدیر الهی است.

پ.ن: جمله «اراده خداوند متعلق به تکوین و تشریح است.» یعنی اراده خداوند بر نظام آفرینش و شریعت تعلق می‌گیرد. این مفهوم ارتباطی به آیه مطرح ندارد.

۲۶۳ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۸/آیه: تدبر در قرآن (۱): صفحه ۵۷

پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی، یعنی به اجرا درآوردن و به انجام رساندن آن‌ها که بیانگر قضای الهی است.

با توجه به آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است.» گزینۀ (۴) پاسخ صحیح است.

۲۶۴ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۸

انسان می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانون مند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. با توجه به این جمله، توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان، معلول معرفت به تقدیر الهی است.

از میان دو کلمه «تابع» و «متبوع» اولی به معنای «به دنبال» و «دومی به معنای «چیزی که از آن تبعیت می‌شود» است. کلمه‌ای که به معلول اشاره دارد، تابع است. تقدیر الهی، برخاسته از علم الهی است.

۲۶۵ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

رابطه جاذبه میان اشیا، یعنی ویژگی آن‌ها. در نتیجه تقدیر الهی است و از علم خداوند سرچشمه می‌گیرد.

۲۶۶ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۸

نظام تعیین شده میان موجودات (تعیین ویژگی‌ها و روابط میان موجودات): مقدر به تقدیر الهی است.

خلق و اجرای موجودات، مقضی به قضای الهی است. خاستگاه تقدیر، علم خداوند است.

۲۶۷ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

قضا برخاسته از حکم و اراده الهی است.

قدر برخاسته از علم خداست.

با توجه به سخن حضرت علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» هر قضایی متناسب با تقدیر خاص است. در نتیجه تقدیر تکیه‌گاه قضا می‌باشد.

۲۶۸ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۸

نقشه پدیده‌ها: تقدیر، علم تحقق آن: قضا، اراده

۲۶۹ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۶۱

اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند و در طول اراده خداست، نه در عرض آن.



۲۷۰ گزینه «۴»

آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

با توجه به آیه ۱۰۴ سوره انعام به این سؤال پاسخ می‌دهیم:

قد جاءكم بصائر من ربكم به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد: نزول دلایل روشن بر انسان

فن ابصر فأنقسه پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او: اختیار انسان در قبول آن

و من عى فعلىها و هر کس کوردل گردد، به زبان خود اوست: اختیار انسان در رد آن

۲۷۱ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۵

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار» انسان است. اختیار، یک حقیقت وجدانی است، نه عقلی.

۲۷۲ گزینه «۱»

متن: صفحات ۶۰ و ۶۱

بین نظام جهان و اراده انسان، رابطه طولی حاکم است.

در رابطه طولی، از آن‌جا که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و آن عامل در عامل بعدی تأثیر می‌کند، رابطه تقدم و تأخر برقرار است. در نتیجه اراده انسان نیز مؤخر از اراده خداوند است؛ یعنی هر چیزی که انسان، اراده نماید؛ ابتدا خداوند اراده کرده که او آن عمل را انجام دهد.

پ.ن: در گزینه دیگر گفته شده: «انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر اوست و برای او تعیین شده است.» این جمله به معنای عدم اختیار انسان است که اشتباه می‌باشد.

۲۷۳ گزینه «۴»

متن: صفحات ۶۰ و ۶۱

تأثیر یک عامل در عامل دوم برای انتقال اثرش به معلول: علل طولی - مثال: نگارش همکاری عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه: علل عرضی - مثال: رویش گل

۲۷۴ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۵

دو بیت مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار انسان» است؛ بنابراین باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره کرده باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): این گزینه بر اعمال غیراختیاری انسان تأکید نموده است.

گزینه (۲): شواهد اختیار را در وجود خود می‌یابیم نه بیرون.

گزینه (۳): این گزینه بیانگر اختیار و ویژگی‌های آن است و صحیح می‌باشد.

گزینه (۴): این گزینه بیانگر تفاوت میان اعمال اختیاری و غیراختیاری است، نه تأکید بر اختیار.

۲۷۵ گزینه «۲»

آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

خداوند در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران می‌فرماید: «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست، وگرنه خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.»

۲۷۶ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۸

آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضا است؛ یعنی می‌دانیم که خداوند، آب را با این ویژگی‌ها و اندازه‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود. در نتیجه گزینه (۲) صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): این گزینه اگرچه نادرست نیست، اما مربوط به صورت سؤال نمی‌شود.

گزینه (۳): نظم فعلی جهان اتفاقی نیست.

گزینه (۴): ما انسان‌ها مختار هستیم.

۲۷۷ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۵/ آیه: انسان، ۳

اختیار، یک حقیقت وجدانی و مشهود است که هر کس آن را در خود می‌یابد و نیاز به استدلال ندارد. آیه‌ای که به اختیار اشاره نموده، آیه «آنا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» است.

۲۷۸ گزینه «۳»

متن: صفحه ۶۱

خداوند این‌گونه تعیین کرده که انسان، کارهایش را «با اختیار انجام دهد». تعیین کردن ویژگی انسان، بیانگر تقدیر است.

هیچ کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند. حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم یک کار اختیاری بوده چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

۲۷۹ گزینه «۴»

متن: صفحات ۶۰ و ۶۱

نسبت‌دادن کل کار به هر یک از عوامل، در **علل طولی** مطرح می‌شود. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که حاکی از این نوع علل باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): در علل طولی، یک عامل در عامل بعدی فقط اثر می‌گذارد نه در هر یک از عوامل بعدی.

گزینه (۲): این گزینه بیانگر علل عرضی است، نه طولی.

گزینه (۳): این گزینه بیانگر علل عرضی است، نه طولی.

گزینه (۴): این گزینه بیانگر علل طولی است.

۲۸۰ گزینه «۱»

ارتباط مفهومی: حدیث/ آیه

سخن حضرت علی علیه السلام **حاکمی از قانون‌مندی الهی و اختیار انسان** در پرتو آن است. آیه «آنا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» نیز بیانگر اختیار انسان است.

۲۸۱ گزینه «۴»

آیه: تدبر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

مفهوم آیه شریفه، **اختیار انسان** است که این مفهوم در گزینه‌های (۳) و (۴) آمده است. تحمل کردن لوازم و نتایج درخواست‌های خود، حاکی از قدرت اختیار است. با توجه به این که انسان باید براساس تفکر و تصمیم با رهنمودهای الهی مواجه شود و دست به انتخاب بزند، این آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری اشاره می‌کند.

۲۸۲ گزینه «۴»

متن: صفحه ۵۹

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی ورای قانون‌مندی و نظم است.

برداشت نابه‌جای آن شخص این بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود.

۲۸۳ گزینه «۱»

متن: صفحه ۵۵

اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی و مشهود است و هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

۲۸۴ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۸

این‌که می‌گوییم قدر و قضا الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست و اجرا و پیاده‌کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل، نه در نقشه جهان [تقدیر] نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

۲۸۵ گزینه «۴»

متن: صفحه ۶۱

در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد؛ اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۲۸۶ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۶

سنجیدن جوانب کار و دچار شدن به تردید: تفکر و تصمیم

استواری عهدها و پیمان‌ها: مسئولیت‌پذیری

۲۸۷ گزینه «۱»

حدیث: صفحه ۶۲

امام علی علیه السلام فرمودند: «شاید از این‌که گفتم رفتن بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این‌گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»



۲۸۸ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۸

نقشه جهان بیانگر تقدیر است و از علم الهی سرچشمه گرفته و اجرا و پیاده کردن آن بیانگر قضا است و از اراده الهی برخاسته است. اصطلاح قرآنی دوم یعنی قضا، هم‌مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.

۲۸۹ گزینۀ «۴»

آیه: تدبیر در قرآن (۱)، صفحه ۵۷

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره انعام فرموده: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان برای شما آمده است؛ پس هر که بینا گشت به سود خودش عمل کرده و هر کس کوری پیشه کرد، به خودش زیان رسانده است.» این آیه بر «اختیار انسان» اشاره دارد. در نتیجه مفهوم: «هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را ببیند.» صحیح است. هم‌چنین در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران فرموده: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾ «این (عقوبت) به خاطر کردار پیشین شماست و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.»

۲۹۰ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۹

برداشت نابه‌جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل، بی‌فایده است.

اما امیرالمؤمنین با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

۲۹۱ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۸

تعیین ویژگی فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان: تقدیر ریزه‌کاری‌های جهان: تقدیر

موقعیت مکانی موجودات جهان: تقدیر

آیه ﴿قُلْ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ که حاکی از ایجاد موجودات است: قضا

۲۹۲ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۹

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

۲۹۳ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۹

ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است؛ اما اگر دیوار، ویژگی (تقدیر) دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

۲۹۴ گزینۀ «۲»

ارتباط مفهومی: آیه / آیه

پیام آیه اول، تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداست.

پیام آیه دوم، اختیار انسان است.

ارتباط میان این دو آیه، در حقیقت رابطه میان اراده خداوند و اختیار انسان است که در گزینۀ (۲) آمده: اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلی و قدرت تصمیم‌گیری دارد.

۲۹۵ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۹

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان، ناسازگار است؛ در حالی که میان این دو، سازگاری وجود دارد و اعتقاد به قضا و قدر الهی، عامل و زمینه‌ساز کار اختیاری انسان است.

فورویختن دیوار سست و کج، یک قضای الهی است که متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است.

۲۹۶ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

بررسی گزینۀها، گزینۀ (۱): تقدیر الهی (نه قضای الهی) در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.

گزینۀ (۲): قضا از مظاهر اراده و قدر از مظاهر علم الهی است و به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین، فقط مربوط به قضای الهی است.

گزینۀ (۳): از آن‌جا که تقدیر مقدم بر قضای الهی است، کل آفرینش تحت امر قدر الهی است یعنی ویژگی‌های همه چیز را خداوند تقدیر نموده و این ویژگی‌ها قبل از ایجاد و خلق (قضا)، مقدر شده است.

گزینۀ (۴): جهان هستی با یک اتفاق موجود نشده است، بلکه ناشی از اراده الهی است.

۲۹۷ گزینۀ «۱»

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

آیه: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾ اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است و هم‌چنین به همین دلیل است که کسی که پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد خود را مستحق مجازات می‌داند و در واقع عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس مسئولیت‌پذیری استوارند.

۲۹۸ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

در علل طولی، بحث وابستگی علت پایینی به علت مرتبه بالایی مطرح می‌شود. گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) به علت‌هایی در کنار هم نیازمند است که نتیجه نهایی ایجاد شود ولی در گزینۀ (۴)، نوشتن حاصل کار انسان است که به ترتیب نفس انسان، ساختار عصبی بدن، دست و قلم از جمله علل طولی می‌باشند.

۲۹۹ گزینۀ «۲»

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ﴾ «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست.» و این آیه به مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار اشاره دارد.

۳۰۰ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۶ و ۵۸

این‌که هر عضوی کدام کار را انجام دهد، از تقدیرات الهی است. فقط با زندگی یک جهان قانون‌مند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد.

۳۰۱ گزینۀ «۴»

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

با توجه به آیه: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَاِنَّ عَمَلِیْهَا لَشَرٌّ لِّخَلْقٍ وَاَنْتُمْ لَبٰرِئُونَ مِمَّا كَفَرْتُمْ﴾ خداوند با ارسال دلایل و رهنمودهای روشن، راه انتخاب هر یک از بینایی و کوردلی را برای انسان باز گذاشته است و این آیه بیانگر «تفکر و تصمیم» از نشانه‌های اختیار انسان است.

۳۰۲ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۷

امیرالمؤمنین به ما آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

۳۰۳ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۷

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است (بدون قدر و قضای الهی هیچ نظامی برقرار نمی‌شود) و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

۳۰۴ گزینۀ «۳»

ارتباط مفهومی: بیت / آیه

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار است. همین مفهوم در آیه: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ...﴾ نیز آمده است.

۳۰۵ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۷۴، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۷

گاهی خداوند علاوه بر مهلت‌دادن به گمراهان، بر امکانات آنان می‌افزاید و آن‌ها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خودشان، بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم‌به‌قدم از انسانیت فاصله گرفته به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند. آیه ﴿وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثْ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ بیانگر این سنت است.

۳۰۶ گزینۀ «۴»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۸

این سؤال را باید با توجه به آیه ۹۶ سوره اعراف پاسخ داد:

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَىٰ اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند: ایمان و تقوای مردم

